



سخنی با خواننده گان:

مدتی بود که راه سرخ منتشر نمی شد و این سوال ایجاد شده بود که چه شد به یک باره آمد و به یک هو رفت .

از آنجایی که ما بر این باور بوده و هستیم که این نشریه را برای پخش در داخل انتشار می

دهیم و اگر بهر دلیل نتوانیم به موقع نسخه های چاپی آن را انتشار و پخش نماییم انتشار اینترنتی آن مطلوب نخواهد بود و تنها وقتی که آن را به موقع در صفحه های کاغذی

چاپ و پخش نموده نسخه ای از آن راهم برای درج در کار آن لاین رو به جنبش ارایه و در معرض قضاوت فعالین

قرار دهیم . پس چون بعلت مشکلات مالی که برای تهیه جوهر و کاغذ و... نتوانسته بودیم آن را به چاپ رسانده و به موقع پخش و در دسترس دانشجویان و کارگران (محیط

هایی که نشریه در انجا پخش میشد) قرار دهیم لذا از نشر اینترنتی آن هم علی رغم این که این کار هم میسر و هم از منظر امنیتی راحتتر بود خود داری نمودیم و تمامی سعی و

تلاش خود را به کار گرفتیم تا مشکلات موجود در راه را بر حسب توان مرتفع نموده و بار دیگر آن را چاپ و پخش نماییم و بسیار خوشحالیم که بار دیگر توانسته ایم بر این امر

فایق آمده و دوباره در دسترس توده های

ارتباط با امریکا و سراب ارزانی و وفور نعمت:

از آنجایی که مردم ایران به هیچ کدام از جناح های حکومت باور ندارند و بدرستی می دانند که این دو جناح مخالفتی با یکدیگر جزیر

سرچگونگی تقسیم قدرت انهم نه برای عدالت بلکه بر سر بالا بردن

توان خود برای چپاول بیشتر این خان یغما .

از آنجاییکه توده ها بدیلی بعد از حکومت سراغ ندارند و آلترناتیوی

را نمی شناسند و به نا به فرهنگ دیرینه تاریخی ایران که هر گاه حاکمیتی ظلم می نموده و آنها در

مقابل و برای مبارزه با آن نه توان داشته و نه آلترناتیوی پس دست

به دامان نیروهای خارجی میشده و با آنها را یاری و یا بی طرف

می مانده تا حاکمین سرنگون شوند(حمله اسکندر حمله اعراب و حمله مغول و...) اینک نیز در اوایل بسیار امید به حمله امریکا بسته بودند که پس از جنایات امریکا در عراق و افغانستان چشم

به حمله ندارند اما تحت تاثیر تبلیغ

سرمایه داری و سلطنت طلبها این تفکر که رابطه با امریکا حلال تمام مشکلات خواهد شد را تقویت کرد

حاکمیت که قبل از سال 92 بنابه تحلیل خود از اوضاع جامعه و در پیش داشتن شورش گرسنگان به فکر رابطه گرفتن با امریکا افتاده بود و امید داشت تا با مصالحه با امریکا و دادن امتیازاتی چند آنها را وادارد تا علاوه بر اینکه بقا جمهوری اسلامی را تضمین کنن

ارتباط با امریکا و.....

بطوریکه خامنه ای کار را تمام شده می انگاشت و یه همین منظور

اول سال سال جدید را سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی نامید. و بر این باور بود که کار مذاکره تقریبا به انمام رسیده است .

و بر اثر این سازش نه تنها بقا رژیم از نظر امپریالیسم تضمین میشود بل بابر داشتن تمام یا مقداری از تحریم

ها نیز تا حدودی وضع معیشت توده ها بهبود یافته و تا مدتی از شورش و نا رضایتی توده ها در امان مانده

پس با این باور سال نورانام گذاری نمود. از آنجا که به سختی و با هزینه توانسته بود جناح موسوم به اصلاح طلب را از میدان بدر نماید تمایل به مشارکت دوباره نهاد دولت نداشت و با توجه به این که نمی توانست از جناح راست هم دلیل سازش پیش رو استفاده نماید

فکر مشارکت با جناح میانه رو را پرورانده و نماینده فکری این جناح را که حسن روحانی به عهده داشت برای رای آوردن در انتخابات پیش رو در نظر گرفت. این انتخابات می توانست برای جناح حاکم علاوه بر هم جهت بودن با توافقات صورت گرفته از منظر تبلیغات در جهت کل انتخابات صورت گرفته در کشور نیز مفید باشد بدین صورت که با توجه به اینکه حسن روحانی جزء

جناح منتسب به رهبری نمی باشد انتخاب وی می تواند به توهم ازاد بودن انتخابات در ابران دامن زده

و خونهای ریخته شده در 88 را از دست خامنه ای بشورد با توجه به همه این موارد خامنه ای همت خود و ابادی خود را به کار گرفت تا وانمود نماید که برخلاف میل وی

شخصی بغیر از آنکه او می پسندد منتخب شده و نامبرده نیز به این انتخاب علی رغم میلش تن داده و با

این انتخابات علاوه بر تبلیغ جهانی

شده قدم برداشت و این سازش و کرنش عاجزانه را با تغییر نام تحت عنوان سازش قهرمانانه به خورد ملت داد.

درواقع فشارهای بیش از حد بر روی دوش توده ها که مهمترین آن فشار اقتصادی می باشد و بستر جامعه را برای یک شورش آماده نموده است حاکمیت را واداشته برای جلوگیری از وقوع چنین شورش اقداماتی برای مهار تورم انجام دهد. از آنجایی که

حکومت توان حل مسائل و مشکلات موجود

را بصورت ریشه ای ندارد(در واقع مبارزه اصولی و ریشه ای با فساد موجود مبارزه با کلیت نظام را می طلبد و با وجود و تداوم

حاکمیت سرمایه رسیدن به خواسته ها اعم از عدالت اجتماعی جنسی و... فقط فقط خیال و توهمی بیش نیست) پس حاکمان به فکر

مسکنی برای رفع موقتی درد های موجود افتاده اند و تهیه این مسکن نیازمند رفع تمام یا مقداری از تحریمها می باشد و این میسر نمی شود مگر به اینکه مذاکرات مخفی که با امریکا شروع شده بود و مدتها بود ادامه داشت بصورت نیمه علنی مطرح گردد نیمه علنی بدین صورت که اصل مذاکره علنی شده اما مفادی که بر روی آن سازش میگردد

بصورت مخفی به ماند تا شدت ظعف حکام برای توده ها روشن نگردد. مذاکراتی که بصورت مخفی ابتدا توسط تیم احمدی نژاد صورت میگرفت و هنگامی که احمدی نژاد مورد سوء نظر قرار گرفت و رهبر اطمینان خود را به این تیم از دست داد از سال 2012 بصورت مستقیم و توسط تیم ولایتی در عمان انجام شد که روزنامه لیبراسیون جزئیاتی از

این مذاکرات را افشا نمود. به نوشته این روزنامه سرپرستی تیم امریکا در این مذاکره

را ویلیام برنزبعده داشت. اینک ادامه این مذاکرات بصورت علنی البته با مخفی ماندن جزئیات آن به عهده تیم روحانی گذاشته شد.

علی رغم تمام این مخفی کاریها به واسطه تکنولوژی جدید ارتباطات هیچ چیز را نمی شود مخفی نمود. و مردم ما بخوبی دریافته اند که با وجود این حکومت و فسادحاکم بر کشور به هیچ وجه نمی توان مشکلات را حل نمود و عدالت اجتماعی عدالت جنسی و مهار تورم و مبارزه با اعتیاد و..... میسر نخواهد شد مگر با سرنگونی این حکومت

انقلابی کیست؟

با توجه به توضیحاتی که در مورد انقلاب گفتیم پس پر واضح است که افراد جمهوری اسلامی بخصوص رهبران آن نمی توانند در این ظرف ضد انقلاب بوده و انقلابی باشند بدون شک آنان پاسداران سرمایه و ضد انقلاب هستند پس وقتی خامنه ای در سخنرانی خود را انقلابی نامید همه می دانند که نامبرده به عنوان رهبر جمهوری اسلامی در صفت ضد انقلاب قرار دارد و در سرکوب انقلاب 57 نیز نقش خود را ایفا نموده و همچنان مشغول سرکوب انقلابیون است ولی اینکه خود را این گونه معرفی می کند علاوه بر پزیر و شنفکری در تداوم همان سیاست که می خواهند توده ها را از انقلاب و انقلابی زده نمایند می باشد و به همین دلیل است که رسانه های امپریالیستی نیز با این انگیزه این سخن او را بیش از پیش اگر اندیسمان میمانند و تلاش میکنند که تمام اعمال سرکوبگرانه و خشونت آمیز او را به حساب انقلابیون و اریز نمایند.

اما بر استی انقلابی کیست چگونه می اندیشد چگونه با مسائل پیرامون خود می نگرند چه چیزی برای او در اولویت قرار دارد ؟؟

انقلابی مرد با زنی است فنا پذیر تمامی علایق خود منافع و شغل و احساسات و همه چیز را در وجود خود به انقلاب و عشق به رهایی توده ها خلاصه نموده و باین عشق محک میزند.

2: انقلابی نه تنها در کلام بلکه در تمامی اعمال خود منافع جمعی را در منظور داشته و هر مسئله را با تراز و معیار همسو بودن یا مغایر بودن با منافع جمع و انقلاب می سنجد و کلیه رفتار و اعمال او با نظام اجتماعی و کلیه قوانین و شرف و سنت و با تمام سنن پذیرفته شده از طرف عموم گسسته و فقط با معیار باور های انقلابی خود آنها را می سنجد. و اگر در زندگی خود همزیستی با این قوانین و سنن و ادب را ادامه می دهد بدین منظور است که راه سریعتر افشا و نابود کردن آن را یافته و به اجرا بگذارد.

3: انقلابی انسانی متعهد و پایدار نسبت به منافع اکثریت و نسبت به اشخاص صمیمی و مهربان اما نسبت به سرمایه داری و دولت حامی منافع آن بی رحم و بین او و آنان همواره جنگی است که پنهان و اعلام شده و تا سرحد مرگ سخت و اشتی ناپذیر در جریان است و تا رسیدن به پیروزی این جنگ به اشکال مختلف ادامه دارد.

4: انقلابی هیچگاه از انگیزه های شخصی پیروی نمی کند تنها و تنها با انگیزه هایی که در خدمت انقلاب است برخورد میکند.

5: انقلابی همانگونه که در قیل نیز قید شد مرد با زنی است فنا پذیر پس انقلابی به دو دلیل همواره در پی آن است که ایجاد تشکل نماید زیرا اولاً بدون تشکل هیچ کاری را نمی توان پیش برد. دوماً بدلیل فنا پذیری و اینکه انقلابی می داند هر لحظه ممکن است ضربه ←

انقلابی

بخورد همواره در فکر چگونگی تداوم و ماندگار بودن راه انقلاب است .

6: بنا به دلایل ذکر شده در بند 5 انقلابی وظیفه اصلی خود را همواره تبلیغ ترویج و سازماندهی قرار داده و می داند که بصورت انفرادی هیچ کاری را پیش نخواهد برد.

7: انقلابی همواره انتقاد از خود و انتقاد از رفقا و یاران خود را سرلوحه کار خویش قرار داده و هیچگاه به منظور تخریب به انتقاد نمی پردازد بلکه همواره در صدد است که انتقاد ایزاری در دستان او و رفقاییش باشد برای سازنده گی و پیش رفت.

8: انقلابی باور دارد که هیچ علمی و هیچ سخن و... بدون مدافعه از منافع طبقه ای خاص وجود نداشته و ندارد پس همواره می کوشد تا در عمل و سخن و نوشته های خود مدافع منافع تنها طبقه تا به اخر انقلابی باشد.

9: انقلابی همواره در پی ایجاد ظرفی برای مبارزه با طبقه حاکم می باشد. اگر چنانچه چنین ظرفی موجود نباشد تمامی همت خود را به کار خواهد گرفت تا چنین ظرفی را ایجاد نموده و دیگر انقلابیون را تشویق به پیوستن به آن کرده

و چنانچه ظرف مورد نظر وجود داشته باشد بی درنگ به آن پیوسته و تمامی انرژی و نیروی خود را به خدمت آن می گیرد. و هرگز تبلیغ به مبارزه انفرادی نمی نماید.

10: انقلابی هر عمل خود را در جهت انقلاب و همسوی با آن ارزیابی می نماید و هیچگاه عملی را که به انقلاب ضربه وارد نماید را انجام نمی دهد.

11: انقلابی چنانچه ظرف مورد نظر خود را برای مبارزه یافت و یا ایجاد نمود می کوشد که دچار لیبرالیسم تشکیلاتی نشده و همواره در قیل این تفکر تشکل بر انداز نیز موضع گرفته و به مبارزه با آن تمامی نیرو و همت خود را به کار می گیرد.

12: هرگاه انقلابی ظرف مورد نظر را یافت و یا ایجاد نمود همواره در صدد است که دبسیپلین موجود در جمع را رعایت و همیشه منافع شخص خود را فدای منافع جمع نموده و انضباط و قوانین تشکیلاتی را محترم شمرده و لازم الاجرا بدانند و هرگاه نظرش با موردی اختلاف داشت آن را نوشته و کتاباً در اختیار رفقای خود قرار داده و تا حصول نتیجه از نظر خود دفاع نماید اما این به منزله آن نیست که کار مورد درخواست از رفیق به بهانه اختلاف نظر به تعویق افتد بلکه بر حسب اصل سانتر الیزم دموکراتیک حاکم بر تشکیلات انجام امر محوله ضروریست. ←

انقلابی

اما این حق برای رفیق و تمامی رفقا محفوظ است که می توانند و باید در رابطه با مسئله مورد اختلاف نظر

خود را نوشته در درون تشکیلات به یک مبارزه ایدئولوژیک دامن بزند .

13: انقلابی از هرگونه حرکت محفلی در درون تشکیلات خودداری نموده و اساساً هر حرکتی که سبب

ضربه به تشکیلات شود و ای به اسباب دشمن بریزد خودداری می نماید.

14: انقلابی هر شکل تشکل از بالا به پایین را رد کرده و همواره سانتر الیزم دموکراتیک را مد نظر قرار داده و فعالانه در امور مختلف شرکت نموده و نظرات خود را کتاباً در اختیار عموم تشکیلات قرار داده و در هر فرصت به مبارزه ایدئولوژیک دامن می زند.

رابطه انقلابی با یاران درون تشکل خود:

این ضرورتی ندارد که در رابطه با وفاداری یاران نسبت به یکدیگر قلم فرساییم نمایم تمامی نیروی انقلاب متکی بر یاران بخصوص آنها که دستی بر قلم دارند یارانی که یا شور و شعور انقلابی خود تمامی لحظه های مبارزه را می سازند تا آنجا که ممکن است باید درباره مسائل بخصوص مسائل مهم گروهی فکر نمود و به نتیجه رسید و وقتی که نتیجه حاصل شد .

انقلابی باید حاصل مبارزه ایدئولوژیک که بدست آمده را بکار بندد و هرگز نباید برای توصیه نمودن وقفه ای ایجاد نماید جز در مواردی که برای پیشبرد انقلاب ضروری است که انهم باید طی یک مبارزه درونی و در بین کلیه اعضا (مبارزه ایدئولوژیک درون گروه)

بوده و پس از بررسی و تایید تمامی رفقا و یا اکثریت رفقا به کار بسته شود.

انقلابی همواره نسبت به توان خود برای انجام امور داوطلب بوده و تمامی توان خود را در خدمت انقلاب به کار میگیرد و از اعمالی که ناشی از خصلت های ریشه ای همواره پرهیز نموده و تمامی تلاش خود را برای زدودن این خصلت ها چه در اعمال خود و چه در اعمال رفقای خود بکار میگیرد.

برگرفته از جزوات درون تشکیلاتی کمیته ایالتی البرز سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

اخبار کارگری و مقالات خود را برای ما ارسال دارید و ما را در پیشبرد اهداف انقلابی یاری سازید

با تشکر کمیته ولایتی کرج

تنها راه برون رفت از این جهنم سرمایه ساخته آماده گی برای مبارزه مسلحانه توده ایست

ارتباط....

وتنها انقلاب است که می تواند دگرگونی عظیمی را در کشور میسر نماید و خواسته های توده هارا محقق نماید. همچنین با توجه به حضور امریکا در عراق و افغانستان و وجود مشکلات عدیده در این کشور ها مردم به درستی دریافته اند که رابطه با امریکا نیز نمی تواند مشکلات را حل نماید زیرا اگر رابطه می توانست حلال مشکلات باشد در دو کشور یاد شده امریکا مستقیم حضور فیزیکی دارد اما هر دو کشور با گرانی فقر و فساد اداری اعتیاد و فحشا دست به گریبانند و حضور امریکا نه تنها مشکلات را حل نموده بلکه بر دایره مشکلات افزوده است.

تنها و تنها راه برون رفت از این منجلاب سرمایه ساخته ان است که سرمایه داری را عقب رانده و ماشین سرکوب ان را در هم بشکنیم و این میسر نخواهد شد مگر با ایجاد تشکل های متحد توده ای . دست اخر برای پیروزی نهایی بر این رژیم و سرنگونی سرمایه داری باید با قیام مسلحانه توده ای ماشین سرکوب رژیم را در هم بشکنیم.

محسن رجب زاده مرداد ماه 92

با توام

آی مرا مینگری

از زخمهای دستهای پینه بسته سخن نمی گویم
از دردهای زندگی به گل نشسته سخن نمی گویم
از هزاران امید و ارزوی دست نیافته کودکانمان
نمیگویم

از ارمانها و ارزوها نمی گویم

اما میخواهم بگویم که ما روزگاری فکر می کردیم

که می دانیم چگونه می خواهیم زندگی کنیم

فکر می کردیم که ما وظایف رفقای به خون خفته را نیز بر دوش داریم

ما می دانستیم که برای تداوم مبارزه نیاز به تشکل است

ما می دانستیم که باید جنگید تا بتوانیم برپا نماییم آنچه را می اندیشیم

ما می دانستیم که 2صد گفته چون نیم

کـردار نیست !!!

انقلاب چیست ؟ انقلابی کیست؟

قیام و شورش اجتماعی که طی ان توده ها ماشین سرکوب دولتی را در هم شکسته و تمامی قوانین و قواعد طبقه حاکم را زیر و زبر نموده و بجای ان قوانین و قوانندی جدید و نویی که منافع اکثریت جتمع را دربردارد حاکم می گرداند.

سرمایه داری سالهاست که به این نتیجه رسیده است که دیگر به شیوه پیشین توان مقابله با انقلابات را نداشته و به دنبال راهی کم هزینه تر برای مقابله با انقلاب بوده

است. رابرت کندی سناتور امریکائی پس از اتمام یک سفر تحقیقاتی به کشورهای امریکای لاتین در کنگره حاضر و

طی سخنرانی نتیجه بدست آمده از تحقیقات خود را چنین می گوید . دیر باز در هر نقطه از این جهان پهناور ما مواجه با انقلابات رهایی بخش خواهیم بود . خانمها و آقایان

سیل بنیان کن این انقلابات تمامی کشورهای پیرامونی بخصوص در کشورهای تحت سلطه و جهان سومی به حرکت در خواهد آمد . متوجه باشید که هرگونه مقابله با این سیل منافع ما را بخطر خواهد انداخت . تنها و تنها برای ما یک راه باقی است و انهم همراهی با این انقلابات است که بتوان ان را مهار و از درون تهی ساخت و بدین شکل جلوی ضربه به منافع خود را سد نماییم . پس از این بود که نتیجه این تحقیقات توسط سازمانهای زیربیط پخته تر شده و به کار بسته شد . حداقل این روش دو بار در ایران به کار بسته شد . بار اول در اوایل دهه چهل توسط شاه و به دستور امپریالیسم امریکا تحت عنوان انقلاب سفید این تحلیل به تجربه گذاشته شد . بعد از کودتای بیست هشتم مرداد ماه بود جو جامعه علیه سیستم فئودالی حاکم روبه رشد بود احتمال اعتراضات بود جامعه به این سمت می رفت امریکاییها این تحلیل را داشتند به همین دلیل به شاه توصیه نمودند که ایران نیازمند تغییراتی است که اگر این تغییرات رخ ندهد بدون شک با اعتراضات توده ها مواجه خواهد شد و اوضاع از دست رژیم خارج خواهد شد .

پس شاه بدستور امریکاییها اقدام به رفرمهایی نمود بخشی از خواست توده ها در این رفرمها که تحت عنوان انقلاب سفید شاه و مردم به اجرا در آمد زنان صاحب رای شدند بخشی از زمینهای فئودالها بین کشاورزها تقسیم شد وظی طرحی دیگر تحت عنوان سپاهی دانش قدمهایی در جهت مبارزه با بی سوادی برداشته شد . این رفرمها خواسته ها و محرک هایی که توده ها را به میدان می آورد رادربری می گرفت و هر چند بصورت نیم بند اجرایی شد و در اجرای ان بصورت انقلابی برای ریشه کن کردن این معضلات اقدام نشد اما توانست توده ها را متوهم و تا یک دهه انقلاب را به عقب بندازد . مرتبه دوم که این روش در ایران به کار گرفته شد در سال 57 بود درست یک سال قبل از شروع اعتراضات توده ای توسط سفارت امریکا توصیه هایی به شاه شد که خود امریکاییها در این باره اینگونه نوشته اند .

اقای سولیوان سفیر وقت امریکا در ایران در این باره می

انقلاب

گوید به دستورواشنگتن با شاه دیدار نموده و به عرض رساندم که شرایط در ایران در حال تغییر است و دیر یازود با اعتراضات توده ها مواجه خواهیم شد برای اینکه از این مسئله جلوگیری نماییم هنوز دیر نیست و باید دست به ایجاد تغییراتی زد شاه باید مقداری فضا را باز کند و ... اما شاه قبول نکرد در دومین دفعه که با شاه دیدار کردم و باز به وی توصیه ها را تکرار

نمودم وی گفت شما امریکاییها اشتباه میکنید و تحلیل شما از اوضاع غلط است همین چهارم ایان ندیدید که در همه کشور چه جشنی بر قرار نموده بودند.

منظور شاه از جشنی بود که همه ساله در این روز به مناسبت روز تولد شاه برگزار می شد . بهر شکل شاه زیر بار نرفت و سلیوان به واشنگتن گزارش داد .

واشنگتن ترتیب برگزاری یک نشست را در منطقه گوادالوپ داد که در این جلسه نماینده امریکا آقای برژینسکی شرکت نمود از فرانسه و انگلیس هم نمایند

هایی و از ایران هم نماینده گان سلطنت طلبها آقایان علم و آموزگار(فریدون آموزگار سفیر ایران در انگلیس

) و از لیبرالها آقای یزدی و قطب زاده ... حضور داشتند

در این جلسه امریکاییها اعلام نمودند که شاه رفتنی است و باید تا دیر نشده الترناتیوی برای جانشینی رژیم

شاه مشخص نمود و به نظر ما تنها نیرویی که بعد از شاه می تواند هم منافع ما و هم منافع کشور را حفظ

نماید و از اینکه حرکات پیش رو رادیکالیزه شود جلوگیری نماید تنها روحانیت است و در بین روحانیون خمینی است که می تواند رهبری را بعهده بگیرد به همین منظور از همان سال 56 قبل از اخراج خمینی از عراق برای او در نوفل لوشاتو خانه ای در نظر گرفته شد و امنیت این منزل هم از همان سال تامین شد به بی بی سی دستور داده شد که اعلامیه و بیانیه و دستورات خمینی از این رسانه پخش و برای وی تبلیغ شود تا بالاخره توانستند وی را به عنوان رهبر به مردم حقه نمایند . در واقع جمهوری اسلامی حاصل سازش طبقاتی بین امپریالیسمها و سلطنت طلبها و لیبرالها و روحانیت بود .

از همان موقع و علی رغم اینکه خود امپریالیسمها و خود سلطنت طلبها و لیبرالها و .. می دانند که حکومت ایران حاصل سازش خود آنها و در واقع برای ضدیت با انقلاب به عرصه آمده تا از عمیق شدن و رادیکال شدن جنبش توده ها جلوگیری نماید سعی نموده و تمام توان خود را به کار میگیرند تا این رژیم ضد انقلابی را به عنوان حاصل انقلاب توده ها معرفی نمایند تا توده ها را از انقلاب و نتیجه ان ترسانده و دیگر هیچ موقع به فکر انقلاب نیفتند .

سـررنگون باد رژیم سرمایه داری ارتجاعی جمهوری اسلامی

برای پیوند با ما

برای ارتباط با نماینده گان واقعی
طبقه کارگر

برای شرکت در مبارزه ای متشکل

با سازمان اتحاد فدائیان کمونیست
ارتباط گرفته و به این ادرس میل
بزنید

Www.fedayi.org

برای مشاهده نظرات سازمان به این
ادرس مراجعه نمایید

Www.kare-online.org

کمک های مالی خود را برای
مبارزه و تداوم آن به سازمان اتحاد
فدائیان کمونیست ارسال نمایید

از لایحه مشترک کمیته کارگران فولاد ارین فولاد فولاد الیاژی ملایر فولاد زنجان

رسیدن به خواسته هایی چون تعیین دستمزد متناسب با تورم پرداخت بیمه بی
کاری به کارگران اخراجی جلوگیری از اخراج و بازگرداندن کارگران اخراجی

از همین الان باید کمیته های مشترکی بین تمامی نمایندگان واقعی کارگران در سراسر کشور ایجاد نمود تا برای
دستمزدی عادلانه نسبت با تورم موجود با نماینده گان قلابی که به نام کارگران و از طرف دولت با وزارت کار
و نمایندگان کارفرمایان مشغول بحث و گفتگو هستند به مبارزه برخاست و خود به عنوان نماینده گان واقعی
طبقه وارد میدان شده و حقوق واقعی کارگران را به سرمایه داران و دولت حامی آنان تحمیل نماید .

این میسر نمی شود مگر با مبارزه ای پیگیر و همه گانی ما کارگران. برای این مبارزه باید کارگران در واحد
های صنفی خود کمیته های مخفی خود را به وجود آورده و نماینده گان این کمیته ها با نماینده گان کمیته های
اعتراضی مبارزاتی دیگر صنوف کارگری ارتباط گرفته تا مبارزاتی مشترک و همه گانی را پیش ببریم .

هم اکنون ما از تمامی کمیته های موجود دعوت به عمل می اوریم که با ما ارتباط گرفته تا بتوانیم خواسته های
خود را منظم نموده و اعتراضات و اعتصابات همه گانی برای رسیدن به آنها ترتیب دهیم . ضمن اینکه با ارتباط
با یکدیگر راحت تر می توانیم از یکدیگر پشتیبانی به موقع انجام دهیم .

پیش به سوی اتحادی فراگیر بین کارگران سراسر ایران

کمیته های فولاد کارگران ارین فولاد و فولاد زنجان و فولاد الیاژی ملایر

92/10/7

یاد رفقای جان باخته دهه شصت گرامی باد :

یاد رفیق سیامک اسدیان (رفیق اسکندر کبیر) گرامی باد

رفیق سیامک اسدیان در خرم اباد به دنیا آمد و در همان شهر تحصیل نمود دوره نوجوانی او مصادف شد با تلاشهای دکتر مصدق برای ملی نمودن صنعت نفت
پس از کودتای 28 مرداد و دستگیری گروه آرمان خلق لرستان حماسه مقاومت همایون کنیریابی در زندانهای شاه بسیاری از جوانان لرستان را تحت تاثیر قرارداد
رفیق سیامک نیز از جوانان اندوره مستثنی نبود وی بارها و بارها در محفل رفقا از حماسه مقاومت همایون کنیریابی یاد مینمود از دیگر رفقای که رفیق سیامک
از وی همیشه به نیکی یاد می نمود رفیق هوشنگ اعظمی بود دکتر اعظمی در خرم اباد پس از آزادی از زندان قزل قلعه مطبی باز نمود که در انجا به رایگان
مردم لرستان را درمان می نمود و همزمان در لرستان مشغول جمع اوری اسلحه و درست نمودن انبارهایی برای مخفی نمودن این اسلحه ها و آذوقه مهیا نموده
برای زمانی بود که مبارزه مسلحانه را در کوهستانهای لرستان آغاز نماید . بالاخره موعد آن رسید و دکتر به همراهی رفیق سیامک اسدیان و 2 رفیق دیگر از
خانواده خرم ابادی (رفیق مجتبی و رفیق محمود خرم ابادی) به کوه زدند وقتی ارتش کوهستان را محاصره نمود آنها از رشته کوه های زاگرس تا دشت های

صحنه از توابع کرمانشاه پیش رفتند تعداد زیادی از افراد خانواده دکتر اعظمی دستگیر و در بروجرد توسط دو بازجوی بدنام کمیته مشتر (ارش و عضدی) زیر
شکنجه فرستاده شدند دکتر و همراه هانش به بروجرد بازگشتند و در باغهای اطراف بروجرد مخفی شده و سپس در دو گروه به تهران رفته و انجا در خانه های
تیمی فدائیان خلق مخفی شدند رفیق مجتبی خرم ابادی و پسر عمویش رفیق محمود خرم ابادی وقتی برای بررسی یکی از خانه های تیمی مراجعه نمودند در دام
ساواک قرار گرفتند و هر دو تا آخرین تیر تفنگ خود به مقابله با ساواک پرداخته تا هر دو شهید شدند . رفیق سیامک از آن سال مورد تعقیب ساواک بود ولی هیچ
وقت ساواک نتوانست او را دستگیر نماید . وی در خانه های تیمی مخفی و مبارزات خود را ادامه داد در سال 57 رییس پلیس مشهد نوجوان 14 ساله ای را به
داخل جیب شهربانی برده و باتوم خود را در معقد این نوجوان فرو نمود باعث شکنجه شدن استخوانهای لگن وی و در نهایت شهادت وی گردید این کاروی باعث
خشم مردم بخصوص خشم مردم مشهد گردید رفیق سیامک با تیم خود برای اعدام انقلابی وی به مشهد مراجعه و رییس شهربانی را در جلوی منزلش هنگامی که
محافظین وی را خلع سلاح نموده بود اعدام نمود . وی همواره از این عملیات یاد می کرد که پس از عملیات چگونه مردم مشهد شادی نموده و در هرکوی و خیابان
شیرینی پخش نموده و به آنها برای فرار از موقعیت کمک نموده بودند . رفیق سیامک می گفت اینکه چریک مثل ماهی و توده ها دریای آن هستند را در این
عملیات بخوبی لمس نموده است رفیق پس از 22 بهمن نیز به مبارزات خود علیه سرمایه داری ادامه داده و پس از خیانت فرخ نگهدار و تقسیم سازمان به اقلیت
پیوست و در مهر ماه 60 هنگامی که ماموریت داشت تا جنگلهای شمال را بررسی نماید در تور پلیس افتاد . پلیس که اطلاع داشت رفیق به شمال می رود جاده را
بسته بود و از انجا که به او گفته بودند سیامک را نمی توان دستگیر کرد از همان راه دور ماشین او را به رگبار بستند رفیق از تور آنها فرار و به جنگل گریخت
هنگام شب دوباره از جایی دیگر به جاده آمدند که متأسفانه به گشت پلیس برخورد نمودند و پلیس از همان راه دور آنها را به رگبار بست و رفیق شهید شد . در
مهرماه سال 60 لرستان غوغا بود بسیاری از عشایر با اسلحه به خیابان ریخته و مسلحانه برای وی تشییع جنازه برگزار نمودند که در این تشییع تعداد 127 نفر
دستگیر و به زندان اوین فرستاده شدند . یادش گرامی و راهش پر رهرو باد
کمیته ایالتی البرز